



Pathology of Media Literacy in Elementary School Students and Presentation of a Model for the Curriculum

Samira TighBakhsh ¹, Maryam Mahmoudi ^{2*}, Reza Abbasi Bakhtiari ³

¹ Department of Educational Sciences, Mey.C., Islamic Azad University, Meymeh, Iran

^{2*} Department of Computer, Mey.C., Islamic Azad University, Meymeh, Iran

³ Department of Educational Sciences, Mey.C., Islamic Azad University, Meymeh, Iran

Abstract

The aim of this study is to diagnose the pathology of media literacy in elementary school students and to present an applied model. The phenomenological method was used. The participants included elementary school teachers and administrators, and the sampling method was selected purposively (snowball) and the sampling continued until theoretical saturation was reached. The data collection tool in this section is semi-structured interviews. For validity and reliability, as well as for designing a modified model, focus group interviews with seven experts in the field of media literacy and curriculum planning were used. The findings of the first part of the study, which examined educational and implementation problems, identified educational problems in the following areas: failure to provide a basis for the acceptance of media literacy, students' failure to determine the accuracy and correctness of information, failure to lead students to reflect on and critically understand information, inability to meet students' information needs, students' failure to use persuasive methods in media productions, students' failure to promote responsibility in choosing and using messages, students' difficulties in recognizing visual forms of communication, students' failure to improve the quality and lifestyle, and damage related to the implementation area in three areas: failure to provide facilities for teachers and students, failure to provide a basis for the acceptance of media literacy, and the teacher's lack of expertise. The findings of the second part of the study led to the design of a revised model in which the balance between the different components of media literacy, the use of interactive teaching methods, and the strengthening of critical thinking skills were emphasized. Therefore, to improve the current state of media literacy in the primary schools, it is necessary to review the content of textbooks, develop teacher empowerment programs, strengthen technology infrastructure in schools, and create comprehensive policies to expand media literacy education. Also, using integrated approaches in curriculum design can greatly help improve students' media skills and critical abilities.

Keywords

Pathology, curriculum, elementary school students, media literacy, curriculum design

Received
2025/06/07

Accepted
2025/08/03

* Corresponding author:
mahmoudi.m174
@iaui.ac.ir

© Copyright © 2025, Author(s). This is an open-access article published by Islamic Azad University, Sar.C. under the terms of the Creative Commons Attribution- CC BY 4.0 License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

Citation: Tighbakhsh, S., Mahmoudi, M., & Abbasi Bakhtiari, R. (2025). Pathology of Media Literacy in Elementary School Students to Present a Model for the Curriculum. *Qualitative Research in Educational Sciences*, 1(4), 30-61. <https://doi.org/10.71839/QRES.2025.1209136>



آسیب‌شناسی سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان دوره ابتدایی به منظور ارائه الگو

سمیرا تیغ‌بخش^۱، مریم محمودی^{۲*}، رضا عباسی بختیاری^۳

^۱ گروه علوم تربیتی، واحد میمه، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه، ایران

^۲ گروه کامپیوتر، واحد میمه، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه، ایران

^۳ گروه علوم تربیتی، واحد میمه، دانشگاه آزاد اسلامی، میمه، ایران

چکیده

هدف این پژوهش آسیب‌شناسی سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان دوره ابتدایی و ارائه الگو و از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان شامل معلمان و مدیران دوره ابتدایی هستند و شیوه نمونه‌گیری به صورت هدفمند (گلوله برفی) انتخاب شده است و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. ابزار گردآوری داده‌ها در این بخش، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته است. برای روایی و پایایی و همچنین طراحی الگوی اصلاح شده نیز از مصاحبه کانونی با هفت نفر از متخصصان حوزه سواد رسانه‌ای و برنامه‌ریزی درسی استفاده شده است. یافته‌های بخش اول پژوهش که به بررسی مشکلات آموزشی و اجرا پرداخته است، مشکلات آموزشی را در هشت مورد فراهم نشدن زمینه مقبولیت سواد رسانه‌ای، عدم توفیق دانش‌آموزان در تعیین صحت و درستی اطلاعات، عدم منجر شدن دانش‌آموزان به تأمل‌ورزی و فهم انتقادی اطلاعات، ناتوانی نسبت به نیازهای اطلاعاتی دانش‌آموزان، ناموفق بودن دانش‌آموزان در شیوه‌های اقناع در تولیدات رسانه‌ای، عدم توفیق دانش‌آموزان نسبت به ارتقاء مسئولیت‌پذیری انتخاب و استفاده از پیام‌ها، اشکال دانش‌آموزان در شناخت شکل‌های بصری ارتباط، عدم توفیق دانش‌آموزان در بهبود کیفیت و سبک زندگی و آسیب‌های مربوط به حیطه اجرا را در سه مورد عدم تمهید امکانات برای دبیران و دانش‌آموزان، فراهم نشدن زمینه مقبولیت سواد رسانه‌ای، متخصص نبودن دبیران شناسایی کرده است. یافته‌های بخش دوم پژوهش به طراحی الگویی اصلاح‌شده منجر شده است که در آن به توازن بین مؤلفه‌های مختلف سواد رسانه‌ای، استفاده از روش‌های تدریس تعاملی و تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی تأکید شده است. بنابراین برای بهبود وضعیت فعلی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی بازنگری در محتوای کتاب‌های درسی، توسعه برنامه‌های توانمندسازی معلمان، تقویت زیرساخت‌های فناوری در مدارس و ایجاد سیاست‌های جامع برای گسترش آموزش سواد رسانه‌ای ضروری است. همچنین، استفاده از رویکردهای تلفیقی در طراحی برنامه درسی می‌تواند به ارتقای مهارت‌های رسانه‌ای و توانایی‌های انتقادی دانش‌آموزان کمک شایانی کند.

تاریخ دریافت

۱۴۰۴/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش

۱۴۰۴/۰۵/۱۲

* نویسنده مسؤول
mahmoudi.m174
@iau.ac.ir

① حق تألیف برای مؤلفان محفوظ است. این مقاله با دسترسی آزاد، توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری و تحت مجوز کربیتو کامنز (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) منتشر شده است که طبق مفاد آن هرگونه استفاده، تنها در صورتی مجاز است که به اثر اصلی به نحو مقتضی استناد و ارجاع داده شده باشد.

واژگان کلیدی

آسیب‌شناسی، برنامه درسی، دانش‌آموزان دوره ابتدایی، سواد رسانه‌ای، طراحی برنامه درسی

استناددهی: تیغ‌بخش، سمیرا، محمودی، مریم و عباسی بختیاری، رضا. (۱۴۰۴). آسیب‌شناسی سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان دوره ابتدایی به‌منظور

ارائه الگو. پژوهش‌های کیفی در علوم تربیتی، (۴۱)، ۳۰-۶۱. <https://doi.org/10.71839/QRES.2025.1209136>

مقدمه

در دنیای امروز که رسانه‌ها به‌عنوان ابزار اصلی انتقال اطلاعات و شکل‌دهی به باورها و ارزش‌ها عمل می‌کنند، سواد رسانه‌ای به مهارتی اساسی برای دانش‌آموزان تبدیل شده است. این مهارت شامل توانایی تجزیه و تحلیل، ارزیابی و تولید محتوای رسانه‌ای است که به افراد امکان می‌دهد اطلاعات درست را از نادرست تشخیص دهند. مطالعات اخیر نشان داده‌اند که جوانان در بسیاری از موارد بدون آگاهی از صحت و منبع اطلاعات، به استفاده از رسانه‌های اجتماعی می‌پردازند. این وضعیت باعث گسترش اطلاعات غلط و گاه هدفمند می‌شود که پیامدهای زیان‌باری بر رشد فکری و اجتماعی آنها دارد (ایسن استاک^۱، ۲۰۲۴). رسانه‌ها و فناوری‌های دیجیتال به‌طور گسترده‌ای در زندگی روزمره دانش‌آموزان حضور دارند و نقش مهمی در شکل‌دهی به تفکر، رفتار و نگرش آنها ایفا می‌کنند. در این میان، سواد رسانه‌ای به‌عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌ها و دانش برای تحلیل، ارزیابی و استفاده آگاهانه از رسانه‌ها، یکی از ضروریات زندگی مدرن است. با این حال، بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دانش‌آموزان اغلب فاقد توانایی‌های لازم برای مواجهه انتقادی با پیام‌های رسانه‌ای هستند و به سادگی تحت تأثیر پیام‌های تبلیغاتی، اخبار نادرست و محتوای آسیب‌زا قرار می‌گیرند (هابز^۲، ۲۰۱۷). برنامه درسی در نظام آموزشی ایران نیز هنوز نتوانسته به‌طور کامل مفاهیم سواد رسانه‌ای را ادغام کند. تحلیل محتوای کتب درسی نشان می‌دهد که این برنامه‌ها عمدتاً به آموزش نظری محدود شده و تمرکز کافی بر مهارت‌های عملی و انتقادی وجود ندارد (رحمانی، ۱۳۹۶، ۳۴). از سوی دیگر، مصرف بیش از حد و غیرهدفمند رسانه‌ها، بویژه در میان نوجوانان، موجب شده که مشکلاتی مانند کاهش عملکرد تحصیلی، آسیب‌های روانی و کاهش تعاملات اجتماعی افزایش یابد (صالحی‌امیری، ۱۴۰۰). بنابراین، آسیب‌شناسی وضعیت فعلی سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان دوره ابتدایی و شناسایی چالش‌ها و ضعف‌های موجود در برنامه درسی ضروری است. این پژوهش به دنبال طراحی الگویی است که به‌طور کاربردی و مؤثر، مفاهیم سواد رسانه‌ای را در برنامه درسی ادغام کند و دانش‌آموزان را برای استفاده هوشمندانه از رسانه‌ها توانمند سازد.

1. Eisenstock

2. Hobbs

فیضی (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان پیش‌بینی سبک زندگی بر اساس سواد دیجیتال و سواد رسانه‌ای در دانشجویان انجام داد. نتایج حاکی از آن بود که سواد دیجیتال و سواد رسانه‌ای رابطه معناداری با سبک زندگی دارد و پیش‌بینی کننده سبک زندگی می‌باشد. یافته‌های پژوهش زندیان (۱۴۰۲) نشان داد که بین مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای، درک محتوای پیام رسانه‌ای، گزینش آگاهانه پیام رسانه‌ای، نگاه انتقادی به پیام رسانه‌ای و تجزیه و تحلیل پیام رسانه‌ای و سواد رسانه‌ای بر یادگیری عمیق محتوای مبتنی بر وب رابطه دارد. شمس‌آبادی (۱۴۰۲) در پژوهشی، تأثیر سواد رسانه‌ای بر سلامت اجتماعی با نقش میانجی سواد اخلاقی کارکنان ستاد دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی را بررسی کرد. نتیجه‌گیری کلی نشان داد که سلامت اجتماعی از اساسی‌ترین معیارهای رفاه اجتماعی هر جامعه‌ای است و در ارتقای سواد رسانه‌ای و سواد اخلاقی کارکنان مؤثر است.

یافته‌های پژوهش رضائی‌نسب (۱۴۰۲) نشان داد که بین سواد رسانه‌ای والدین و اعتیاد به اینترنت در دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد و سواد رسانه‌ای والدین می‌تواند اعتیاد به اینترنت در دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند و سواد رسانه‌ای والدین می‌تواند دلستگی به والدین در دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند. رضایی کمال‌آبادی (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان رابطه بین سواد رسانه‌ای با آگاهی از حقوق بین‌المللی در شهروندان شهر رفسنجان داد. نتایج نشان داد که بین درک محتوای پیام‌های رسانه‌ای با آگاهی از حقوق بین‌المللی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بین آگاهی از اهداف پنهان پیام‌های رسانه‌ای با آگاهی از حقوق بین‌المللی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بین گزینش آگاهانه پیام‌های رسانه‌ای با آگاهی از حقوق بین‌المللی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. بین نگاه انتقادی به پیام‌های رسانه‌ای با آگاهی از حقوق بین‌المللی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای با آگاهی از حقوق بین‌المللی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد و این فرضیه را در بر دارد که نابرابری‌های اجتماعی و جغرافیایی منجر به عدم برابری در دسترسی به منابع و کسب دانش سواد رسانه‌ای می‌شود و افراد دارای آگاهی در رشته حقوق بین‌الملل به دلیل اینکه دارای سواد آکادمیک هستند، از سواد و درک رسانه‌ای بالاتری نیز برخوردار بوده و این در حالی است که تمامی افراد جامعه از ابزارهای ارتباط جمعی و رسانه‌ای استفاده می‌کنند.

شیخ‌زادگان (۱۴۰۲) نشان داد که علاوه بر تأثیر رسانه‌های نوین در افزایش شکاف نسلی و تأثیر سواد رسانه‌ای در افزایش شکاف نسلی، رسانه‌های نوین با نقش مداخله‌گر سواد رسانه‌ای در افزایش شکاف نسلی در اردبیل تأثیر معنی‌داری دارد. خورندی (۱۴۰۲) که به بررسی پیش‌بینی اخلاق حرفه‌ای براساس سواد رسانه‌ای و انگیزش شغلی دبیران مدارس متوسطه دوم شهر بوشهر پرداخت، مشخص شد سواد رسانه‌ای و انگیزش شغلی قادر به پیش‌بینی اخلاق حرفه‌ای دبیران مرد می‌باشد؛ سنجش آگاهی از اهداف پنهان پیام‌های رسانه‌ای قادر به پیش‌بینی اخلاق حرفه‌ای دبیران مرد می‌باشد؛ و اهمیت شغل قادر به پیش‌بینی اخلاق حرفه‌ای دبیران مرد می‌باشد. فصیحی (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه سواد اخلاقی با سبک مدیریت با میانجیگری سواد رسانه‌ای انجام داد. نتایج نشان داد سواد اخلاقی با سبک مدیریت و سواد رسانه‌ای رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار دارد و همچنین رابطه بین سواد رسانه‌ای با سبک مدیریت مدیران نیز مثبت و معنی‌دار به‌دست آمد. صفری (۱۴۰۲) در تبیین نقش میانجی گرایش به تفکر انتقادی در رابطه سواد رسانه‌ای و مسئولیت‌پذیری اجتماعی معلمان مدارس ابتدایی دولتی شهر ایلام به این یافته‌ها دست یافت که میزان سواد رسانه‌ای، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تفکر انتقادی معلمان مدارس ابتدایی شهر ایلام و مؤلفه‌های آنها در سطح بالاتر از متوسط و میزان گرایش به تفکر انتقادی معلمان و مؤلفه‌های آن در مقایسه با متغیرهای دیگر به متوسط نزدیک‌تر است. نتایج تحلیلی داده‌ها نیز نشان داد که سواد رسانه‌ای به صورت مستقیم و غیرمستقیم با مسئولیت‌پذیری اجتماعی معلمان رابطه معناداری دارد. مسکانی (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان بررسی ارتباط بین سواد رسانه‌ای و اخلاق اجتماعی دانشجویان پیام نور تهران غرب انجام داد. نتایج نشان داد که بین سواد رسانه‌ای دانشجویان با اخلاق اجتماعی آنها رابطه معناداری وجود دارد. عبدالساده (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین سواد رسانه و استفاده از رسانه در بین دانشجویان دانشگاه کوفه انجام شده است. نتایج نشان داده است که بین میزان مصرف رسانه و توانایی افراد رابطه مثبت وجود دارد. برای تحلیل انتقادی محتوای رسانه‌ها به نظر می‌رسد افرادی که از رسانه‌های بیشتری استفاده می‌کنند، توانایی بیشتری در درک و ارزیابی انتقادی محتوا دارند. همچنین، به نظر می‌رسد افرادی که بیشتر با رسانه‌ها تعامل دارند مهارت‌های تحلیلی بالاتری دارند.

سنجری (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی کتابداران کتابخانه‌های عمومی مشهد انجام داده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین محاسبه شده هر یک از مؤلفه‌های پژوهش به این شرح می‌باشد: تعریف نیاز اطلاعاتی ۲/۱۹، جایابی و دسترسی به محتوای رسانه‌ای و منابع اطلاعاتی ۱/۶۹، ارزیابی محتوا و فراهم‌کنندگان رسانه و اطلاعاتی ۱/۴۰۵، سازماندهی منابع اطلاعاتی ۱/۲۶، استفاده و خلق دانش ۱/۳۹، همچنین استفاده و تعامل اخلاقی از محتوای رسانه‌ای و منابع اطلاعاتی ۱/۴۳. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که میزان سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی کتابداران کتابخانه‌های عمومی مشهد کمتر از متوسط است. مهاجرپور (۱۴۰۲) در بررسی رابطه عزت نفس و آزارگری سایبری با نقش تعدیلگر سواد رسانه‌ای، به این نتیجه رسید که سواد رسانه‌ای، نقش تعدیل‌گر در رابطه بین عزت نفس و آزارگری سایبری دارد. همچنین بین عزت نفس و آزارگری سایبری، عزت نفس و سواد رسانه‌ای و آزارگری سایبری و سواد رسانه‌ای رابطه معنادار مشاهده شد. جلیل‌القدرنیری (۱۴۰۲) رابطه سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی با وضعیت استفاده از شبکه‌های مجازی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان را بررسی کرد. یافته‌ها حاکی از آن بود که بین سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی و ابعاد آنها با استفاده از شبکه‌های مجازی دانشجویان رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

میرشکاری (۱۴۰۲) پژوهشی به بررسی رابطه نگرش به سبک‌های فرزندپروری و سواد رسانه‌ای والدین با اعتیاد به اینترنت، بهزیستی روان‌شناختی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پرداخت. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داده است که بین سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین بین سواد رسانه‌ای والدین و اعتیاد به اینترنت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. تحلیل‌ها نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. معتمدی (۱۴۰۱) پژوهشی تحت عنوان تدوین چارچوب برنامه درسی سواد رسانه‌ای برای دانشگاه فرهنگیان انجام داد. نتایج به‌دست آمده در گام اول نشان داد که آموزش سواد رسانه‌ای به دلیل تغییر شرایط اجتماعی، غلبه بر آسیب‌های رسانه‌ای و الزام شغلی معلمان ضروری است و به این منظور باید بسترهایی همچون فرهنگ‌سازی، سیاست‌گذاری، تأمین مالی، تأمین نیروی انسانی و تأمین تجهیزات فراهم شود. براساس نتایج به دست آمده از گام دوم، مهم‌ترین

اهداف آموزش سواد رسانه‌ای شامل رسانه‌شناسی، اصلاح سبک مصرف رسانه‌ای، پرورش شهروند فعال در برابر رسانه، توسعه اخلاق کاربری و تربیت معلم مولد است.

شرقی (۱۴۰۱) پژوهشی تحت عنوان رابطه سواد رسانه‌ای با میزان استفاده از فضای مجازی و پذیرش اخبار رسانه‌ای در بین دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر اردبیل انجام داد. نتایج این پژوهش هم در حوزه نظری و هم کاربردی دستاوردهای قابل توجهی داشت، به‌طوری که می‌توان با تقویت سواد رسانه‌ای، آگاهی و مهارت دانش‌آموزان را در زمینه اخبار و اطلاعات رسانه‌ای افزایش و پذیرش اخبار نادرست و غیرواقعی در فضای مجازی پیشگیری کرد. کاوسی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان درس تفکر و سواد رسانه‌ای انجام دادند. داده‌های به‌دست آمده به شیوه تحلیل محتوای کیفی تحلیل شده‌اند. دانش رسانه‌ای، مهارت رسانه‌ای، نگرش رسانه‌ای، آموزش مهارت‌های تفکر، دانش تربیت رسانه‌ای و سوادهای پشتیبان، شش دسته صلاحیت‌های مورد نیاز معلمان تفکر و سواد رسانه‌ای بودند که در قالب مضمون اصلی در پژوهش حاضر شناسایی شده‌اند. محمودی (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان بررسی برنامه درسی دوره ابتدایی و متوسطه اول و دوم بر مبنای توجه به مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای انجام داد. این پژوهش نشان داد که در اهداف مصوب دوره ابتدایی به مؤلفه دسترسی توجه شده؛ اما، به مؤلفه‌های استفاده، فهم انتقادی و تولید پیام توجهی نشده است.

شریفی و کرمی نامیوندی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان بررسی ابعاد آموزش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که تعیین ابعادی مانند روش‌های آموزش، سطوح آموزش، تفکیک رسانه‌ها، تعیین جامعه هدف، محتوای آموزش نقش مهمی در ارتقای سطح سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی دارد. یلئوسیز^۱ (۲۰۲۴) پژوهشی تحت عنوان بررسی توسعه سواد رسانه‌ای در کلاس‌های درس انگلیسی به‌عنوان یک زبان خارجی، با تمرکز بر ادراک معلمان و چالش‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای انجام داده است. این پژوهش با استفاده از یک رویکرد کیفی مستلزم انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با معلمان زبان انگلیسی در قزاقستان است. یافته‌ها حاکی از آن بود که علیرغم برخی موانع، معلمان زبان انگلیسی لزوم گنجاندن مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای را در کلاس‌های درس خود تأیید می‌کنند. نتایج پژوهش به پر کردن

شکاف فعلی در مطالعات در این حوزه کمک می‌کند و بینش‌های عملی را برای معلمانی که در محیط‌های مشابه کار می‌کنند ارائه می‌دهد.

جایادپوترا و همکاران (۲۰۲۳) پژوهشی تحت عنوان مدل برنامه درسی پانکاسیلا و آموزش مدنی در قرن بیست و یکم انجام داده است. یافته‌ها نشان داده است که افزایش مهارت‌های خود، از جمله مهارت‌های یادگیری و نوآوری، مهارت‌های زندگی و شغلی و فناوری و مهارت‌های رسانه‌ای بهبود آموزش مدنی در اندونزی در پرورش توانمند و رقابتی شهروندان بسیار مهم است. لی و همکاران^۱ (۲۰۲۳) به بررسی مسیرهای مشارکت سیاسی در میان کودکان و نوجوانان انجام پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که آموزش سواد رسانه‌ای و میانجیگری والدین انگیزه نظارت را پرورش می‌دهد و به‌طور غیرمستقیم مشارکت جوانان را از طریق انگیزه، تأمل و مشارکت اخبار آنلاین افزایش می‌دهد. مگان و کیسی^۲ (۲۰۲۰) پژوهشی را با عنوان تلفیق سواد رسانه‌ای در برنامه درسی معلمان انجام داده‌اند. نتایج نشان داده است که معلمان مطالعات اجتماعی در دوره‌ای قرار دارند که اطلاعات غلط و اخبار جعلی بر واقعیت‌های جدید آموزش شهروندی دموکراتیک سلطه پیدا کرده است. بنابراین یک رویکرد تلفیقی، جامع و چندجانبه به سواد رسانه‌ای می‌تواند معلمان را در توسعه استدلال مدنی، حرکت به سمت تعصب‌زدایی سیاسی و مشارکت در فعالیت‌های مدنی آنلاین کمک کند. والتون و همکاران^۳ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان سواد رسانه‌ای در عصر یادگیری ماشینی به این نتیجه رسیده‌اند که در طی چند دهه گذشته فضای رسانه به شدت تغییر کرده است. اتفاقاتی مانند تولید محتوای چندرسانه‌ای، سانسور و فیلتر کردن اطلاعات، ردیابی اقدامات کاربران، مهندسی رفتار، تبلیغات هدفمند، گسترش اطلاعات نادرست و تغییر گرایش‌های سیاسی از جمله این تغییرات می‌باشد. از نظر آنان درک الگوریتم‌های رسانه‌ای می‌تواند به معلمان کمک کند تا برخی از مکانسیم‌های محاسباتی و آموزش‌های پنهان رسانه‌ها را شناسایی کنند و به واکنشی معقول بیاورند.

1. Lee

2. Meghan & Casey

3. Valtonen

بولگر و داویسون^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان وعده‌ها، چالش‌ها و آینده سواد رسانه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که سواد رسانه‌ای به عنوان ابزار مهمی برای مقابله با اخبار جعلی است و توانسته است حمایت‌های مربیان و سیاست‌گذاران آموزشی را به خود جلب کند و جایی را برای خود در برنامه‌های درسی مدارس به دست بیاورد. وود^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی آموزش سواد رسانه‌ای: ارزیابی آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس کولوراد و نتیجه‌گیری کرده است که سواد رسانه‌ای یک زمینه پدید آمده در آموزش می‌باشد که مهارت‌های سواد مانند تجزیه و تحلیل انتقادی و ارزیابی با یک پردازش مبتنی بر پژوهش را ترکیب می‌کند و دانش آموزان را به استفاده از پردازش اطلاعات در زمینه‌های شناختی، اخلاقی، زیباشناختی و عاطفی تشویق می‌نماید. همچنین بررسی‌های کمی نشان می‌دهند که کمبود منابع، رایج‌ترین دلیل معلمان جهت اجتناب از استفاده محتوای رسانه‌ای در کلاس درس است. مک دونالد^۳ (۲۰۰۸) پژوهشی را با عنوان سواد رسانه‌ای در عمل: جستجوی آموزش و به کارگیری ساختارهای سواد رسانه‌ای در فعالیت‌های کلاسی روزانه انجام داده است. تجزیه و تحلیل مشخص کرده است که ساختارهای سواد رسانه‌ای در تمامی مباحث کلاسی، پروژه‌های پژوهشی، نوشته‌های روزنامه‌ای و سخنرانی‌ها آشکار می‌شود.

دامکیلو^۴ (۲۰۱۹) در قالب رساله دکتری که حاصل مصاحبه با نه معلم سواد رسانه‌ای است مشخص ساخت که رابطه بسیار پیچیده‌ای میان ایدئولوژی معلمان درباره رسانه‌ها و فعالیت‌های سواد رسانه‌ای‌شان وجود دارد. معلمان اکثراً تدریس کردن درباره رسانه‌ها را در مسیری توصیف کرده‌اند که ارتباط تنگاتنگی با پارادایم طرفداران مداخله سواد رسانه‌ای دارد. ایدئولوژی‌های توصیف شده معلمان، حکایت از قدرت بی‌اندازه رسانه‌ها در فرهنگ و تأثیر بالقوه رسانه‌ها بر دانش آموزان داشته است. کانسی داین^۵ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان سواد رسانه‌ای در سراسر برنامه درسی چنین اظهار کرده است که آیا لیوان سواد رسانه‌ای نیمه خالی است یا نیمه پر؟ او از مواردی مانند پیوند دادن سواد با رسانه‌های نوین، انطباق با بیانیه‌های بین‌المللی، سعه صدر، استفاده از حامیان مشهور، آموزش

1. Bulger & Davison

2. Wood

3. MacDonald

4. Damquillo

5. Considine

ضمن خدمت معلمان، فراهم آوردن منابع، تشویق به هنگام ارزشیابی و مشاهده نتایج به عنوان راهکارهایی برای توسعه سواد رسانه‌ای یاد می‌کند.

با توجه به پیشینه‌های مطرح شده، سواد رسانه‌ای از زوایای مختلفی از جمله تأثیرات اجتماعی، آموزشی، روان‌شناختی و استفاده از فناوری مورد بررسی قرار گرفته است و همان‌طور که مشخص است آسیب‌شناسی سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم به منظور اصلاح الگوی برنامه درسی موجود، یک زمینه پژوهشی نوآورانه است که می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر کیفیت آموزش و پرورش داشته باشد. در ابتدا، بررسی سواد رسانه‌ای در دانش‌آموزان این دوره سنی اهمیت بالایی دارد؛ زیرا آنها در سن حساسی قرار دارند که افزون بر تأثیرپذیری از محیط‌های رسانه‌ای، پایه‌گذاری تفکر انتقادی و مهارت‌های تحلیل اطلاعات نیز در این برهه شکل می‌گیرد. نوآوری این طرح به دو جنبه اصلی برمی‌گردد: اول، شناسایی آسیب‌ها و چالش‌های موجود در حوزه سواد رسانه‌ای برای دانش‌آموزان، که می‌تواند شامل آشنایی ناکافی با منابع معتبر، درک ضعیف از محتوای رسانه‌ای و نظارت نداشتن بر استفاده‌های رسانه‌ای باشد. دوم، اصلاح برنامه درسی و ارائه محتوای آموزشی مناسب و متناسب با تحولات فناوری و نیازهای واقعی دانش‌آموزان است که به آنها کمک می‌کند تا به مهارت‌های لازم برای تحلیل دقیق اطلاعات دست یابند. این پژوهش می‌تواند با ارائه راهکارهای عملی و تجربیات آموزشی نوین، ضمن ایجاد آگاهی در راستای مخاطرات رسانه‌ای، به بهبود مهارت‌های انتقادی و تفکر عمیق در میان دانش‌آموزان کمک کند. همچنین، می‌تواند بر روی تشکیل کارگروه‌های آموزشی و پرورشی تمرکز کند که به تدریس فرهنگی و اجتماعی رسانه‌ها بپردازند. در نهایت، با بررسی دقیق و کارشناسانه وضعیت سواد رسانه‌ای در برنامه‌های درسی کنونی و شناسایی اشتباهات و نواقص موجود، امکان پیشنهاد اصلاحاتی با رویکرد فرهنگی، علمی و اجتماعی فراهم می‌شود. این اقدام نه تنها باعث بهبود کیفیت آموزشی می‌شود، بلکه می‌تواند به شکوفایی جامعه‌ای بیشتر آگاه و مسؤول در مقابل تأثیرات رسانه‌ای منجر گردد. به همین دلیل، این طرح می‌تواند تأثیرات حیاتی در توسعه آینده نسل جوان و آمادگی آنها برای رویارویی با چالش‌های جهانی داشته باشد. هدف کلی این پژوهش آسیب‌شناسی سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان دوره ابتدایی به منظور ارائه الگو است و سؤال‌های پژوهش شامل این موارد می‌باشد:

سؤال اول: آسیب‌های آموزش سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی کدامند؟

سؤال دوم: الگوی مطلوب برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی کدام است؟

روش‌شناسی

برای انجام هر پژوهشی نیازمند یکی از روش‌های پژوهش می‌باشد تا بتوان داده‌های مورد نظر را گردآوری نموده و از طریق آنها به سؤالات پژوهش پاسخ داد. این پژوهش براساس هدف کاربردی، براساس روش گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی و براساس پارادایم کیفی می‌باشد. پژوهش در دو بخش بررسی مشکلات آموزشی و اجرا؛ و اعتباریابی الگو، انجام شده لذا در ادامه به تفکیک روش پژوهش هر بخش معرفی شده است:

روش پژوهش در بخش اول (بررسی مشکلات آموزشی و اجرا): پدیدارشناسی توصیفی بود. بنیان روش پدیدارشناسی، تفکر بر روی تجارب زیسته و اعمال روزمره افراد است و با انجام تفکر آگاهانه در مورد ماهیت حوادث تجربه شده در پی آن حادثه همراه است. در پدیدارشناسی توصیفی به ساختار تجربه و توصیف و تحلیل پدیده‌ها بدون دخالت پیش فرض‌ها توجه می‌شود. طبق این روش جمع‌آوری اطلاعات از افرادی صورت گرفته است که پدیده مورد نظر که همان آموزش سواد رسانه‌ای است را تجربه کرده بوده‌اند. روش پژوهش در بخش دوم (اصلاح الگوی موجود و اعتباریابی آن): مصاحبه کانونی بود. گروه کانونی یک روش پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از طریق یک فعالیت بحث و پرسش ساختارمند با یک گروه از افراد هدف است. افراد توسط پژوهشگر براساس تجربیات مشترک برای بحث درباره یک موضوع دست چین می‌شوند. این گروه کانون نامیده می‌شود، چرا که محقق در نقش گرداننده جلسه، یک موضوع خاص را برای بحث متمرکز (کانونی) ارائه می‌دهد و افراد گروه را روی بحث درباره آن موضوع متمرکز نگه می‌دارد. این روش زمانی به کار می‌رود که یک موضوع پژوهشی از طریق دیگر روش‌هایی که مجاز به استفاد هستند، نتواند کشف شود. از این گذشته، اطلاعات گروه کانونی، داده‌های کیفی شامل توصیفات و کلمات است که از اعداد غنی‌تر هستند.

جامعه آماری ۸۰ نفر از معلمان و مدیران مدارس ابتدایی شهر میمه می‌باشند که ۱۸ نفر آنان به شیوه هدفمند (نمونه مشهور و گلوله برفی) انتخاب شده‌اند. یعنی ابتدا به افرادی که در این زمینه متخصص

بودند و سابقه تدریس این درس را داشتند، مراجعه و سپس از آنها خواسته شده است تا نمرات بعدی را معرفی نمایند.

جامعه و نمونه آماری در بخش دوم (اصلاح الگوی موجود و اعتباریابی آن)، متخصصان سواد رسانه، برنامه‌ریزی درسی و تعدادی از دبیران منتخب هستند که ۷ نفر آنان به شیوه هدفمند (گلوله برفی) انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش اول (بررسی مشکلات آموزشی و اجرا)، مصاحبه نیمه ساختاریافته می‌باشد. در این راستا، سؤالاتی در مورد آسیب‌های مربوط به حیطه آموزش و اجرا طراحی شد، البته انعطاف لازم وجود دارد تا هر جا که مصاحبه شونده بخواهد می‌تواند توضیحات بیشتر و ضمنی و تکمیلی نیز ارائه دهد. برای روایی درونی از تکنیک کنترل‌های اعضا استفاده شد. در این تکنیک تحلیل‌های داده‌ای و نتایج به پاسخ‌گویان ارائه می‌گردد تا واکنش آنها در مرحله گزارش نتایج مشخص شود. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش دوم (اصلاح الگوی موجود و اعتباریابی آن): سؤالات عمیق بود. سؤالات بدین ترتیب بود که: الف) کدام قسمت از الگوی طراحی شده غیرمرتبط است؟ ب) کدام قسمت از الگوی طراحی شده نیاز به بازبینی اساسی دارد؟ ج) کدام قسمت از الگوی طراحی شده مرتبط اما نیاز به بازبینی دارد؟ د) کدام قسمت از الگوی طراحی شده کاملاً مرتبط است؟ هدف از پرسیدن این سؤالات ایجاد فضایی برای گفتگو بین افراد متخصص و دبیران بوده است.

روش تحلیل داده‌ها در بخش اول (بررسی مشکلات آموزشی و اجرا): خلاصه‌سازی و کدگذاری شیوه گلایزر و اشتراوس می‌باشد. نرم افزار MAXQDA برای کدگذاری استفاده شده است. روش تحلیل داده‌ها در بخش دوم (اصلاح الگوی موجود و اعتباریابی آن)، استنباطی می‌باشد. بر این اساس نظرات مستقیماً بر الگو و اجزای آن پیاده شده است و پس از پیاده سازی صحت‌سنجی شده است تا موافقت حداکثری بین پژوهشگر و متخصصان صورت پذیرد.

یافته‌ها

سؤال اول: آسیب‌های آموزش سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی کدامند؟

آسیب‌های مربوط به حیطه آموزش: بر اساس مصاحبه‌های انجام شده آسیب‌های مربوط به حیطه آموزش را در هشت مورد فراهم نشدن زمینه مقبولیت سواد رسانه‌ای، عدم توفیق دانش‌آموزان در تعیین صحت و درستی اطلاعات، عدم منجر شدن دانش‌آموزان به تأمل‌ورزی و فهم انتقادی

اطلاعات، ناتوانی نسبت به نیازهای اطلاعاتی دانش‌آموزان، ناموفق بودن دانش‌آموزان در شیوه‌های اقناع در تولیدات رسانه‌ای، عدم توفیق دانش‌آموزان نسبت به ارتقاء مسؤولیت‌پذیری انتخاب و استفاده از پیام‌ها، اشکال دانش‌آموزان در شناخت شکل‌های بصری ارتباط، عدم توفیق دانش‌آموزان در بهبود کیفیت و سبک زندگی ارائه شده است. خلاصه یافته‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. آسیب‌های مربوط به حوزه آموزش

مصاحبه شوندگان	کدهای اولیه	کدهای ثانویه	کد نهایی
(۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۵)	حاکمیت رویکرد پاس کردن درس، فراهم نشدن عوامل و شرایط تحقق، نگاه حاشیه‌ای داشتن به درس، بی‌انگیزگی دبیران و دانش‌آموزان	فراهم نشدن زمینه مقبولیت سواد رسانه‌ای	
(۱)، (۴)، (۵)، (۶)، (۸)	ارائه دانش گسترده و عمومی، منطبق نبودن با گستردگی رسانه‌های اطلاع‌رسانی آنلاین، پیام‌هراسی، ایزوله و مثبت نشان دادن رسانه‌های داخلی، ناتوانی در برابر هجمه برنامه‌ریزی شده رسانه‌ها، عدم معرفی ابزارهای ارزیابی پیام، کم‌توجهی به صحت‌سنجی پیام‌های آنلاین، ناتوانی در فهم اصالت پیام	عدم توفیق دانش‌آموزان در تعیین صحت و درستی اطلاعات	
(۱)، (۲)، (۴)، (۷)، (۱۲)، (۱۴)، (۱۵)، (۱۸)	معرفی کم منابع صدور پیام‌ها جهت عدم اعتماد به موارد سست و بی‌بنیان، ناتوانی در کمک به دانش‌آموزان برای فهم فرآیند نقد پیام‌ها، پررنگ بودن جنبه هیجانی پیام‌ها و کم‌توجهی به حوزه شناخت منطقی، عدم توفیق دانش‌آموزان برای در نظر گرفتن متن اصلی پیام و استدلال‌های موجود در آن، کم‌توجهی به توانمند شدن دانش‌آموزان در نتیجه‌گیری از مقصد پیام‌ها، عدم پوشش ویدیوهای نمایش داده شده در کلاس، عدم آموزش مقابله با زودباوری، مشکل در ایجاد روحیه نقادی	عدم رغبت دانش‌آموزان به تأمل ورزی و فهم انتقادی اطلاعات	آسیب‌های مربوط به حیطه آموزش
(۱)، (۴)، (۷)، (۸)، (۱۱)	عدم معرفی بانک‌های اطلاعاتی معتبر و تمرکز بر وب‌گردی‌های عمومی، ناآشنایی دانش‌آموزان با نرم‌افزارهای مختلف، تفهیم نکردن دانش‌آموزان در استفاده نادرست از شبکه‌های مجازی و عدم‌پذیرش	ناتوانی نسبت به نیازهای اطلاعاتی دانش‌آموزان	

جدول ۱. آسیب‌های مربوط به حوزه آموزش

مصاحبه شوندگان	کدهای اولیه	کدهای ثانویه	کد نهایی
	پیام‌های رنگارنگ، شکست آموزش در برابر رسانه‌های غربی، ارائه اطلاعات کم، عدم آموزش چگونگی کار با نرم افزارهای مختلف		
(۱)، (۵)، (۶)	غلبه نگاه نمره‌ای و عرضه صوری محتوا، ارائه سناریوهای نظری و کم توجهی به عمل، عدم تنوع در ارائه مثال‌ها	ناموفق بودن دانش‌آموزان در شیوه‌های اقناع در تولیدات رسانه‌ای	
(۱)، (۵)، (۶)	نادیده گرفته شدن مسئولیت ارسال پیام‌ها، معرفی نشدن عواقب آبرویی و روانی ارسال پیام‌های نامعتبر، کم توجهی به باورها، تجربیات و ارزش‌های دانش‌آموزان و مسئولیت آنها در باز ارسال پیام‌ها، القایی و خطی بودن محتوا نسبت به مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در استفاده از پیام‌ها، نادیده گرفته شدن کسب اجازه در باز انتشار پیام‌های مرتبط با دیگران، اکتفاء به یک کتاب و معلم، ناتوانی در ارائه آموزش‌های منتهی به انتخاب و استفاده پیام	عدم توفیق دانش‌آموزان نسبت به ارتقاء مسئولیت‌پذیری انتخاب و استفاده از پیام‌ها	
(۱)، (۲)، (۴)، (۱۳)، (۱۶)، (۱۸)	بی تفاوت بودن به شکل‌های بصری ارتباط در شبکه‌های پر کاربرد و با کاربران بالا، عدم توضیح اِموجی‌ها و فلسفه طراحی و شکل‌گیری موارد پر کاربرد، بی توجهی به معرفی استوری و معیارهای معرفی خود در آن، کم توجهی به انواع ارتباطات آنلاین و جایگاه و نحوه استفاده از آنها، ناتوانی در معرفی واقعیت پشت پرده پیام، شکست در برابر مشکلات ناشی از پیچیدگی بصری پیام‌ها، عقب ماندگی محتوای کتاب و کم تسلطی دبیر بر شبکه‌های اجتماعی پر طرفدار	اشکال دانش‌آموزان در شناخت شکل‌های بصری ارتباط	
(۱)، (۳)، (۵)	عاجز بودن در نفوذ به لایه‌های زیرین سبک زندگی، ناتوانی در تغییرات سبک زندگی دوره کرونا، منفعل بودن در برابر آسیب‌های اجتماعی	عدم توفیق دانش‌آموزان در بهبود کیفیت و سبک زندگی	

آسیب‌های مربوط به حیطه اجرا: بر اساس مصاحبه‌های انجام شده با مدیران می‌توان آسیب‌های مربوط به حیطه اجرا را در سه مورد عدم تمهید امکانات برای دبیران و دانش‌آموزان، فراهم نشدن زمینه مقبولیت سواد رسانه‌ای، متخصص نبودن دبیر ارائه کرد.

جدول ۲. آسیب‌های مربوط به حیطه اجرا

مشارکت کنندگان	کدهای اولیه	کدهای ثانویه	کد نهایی
(۲)، (۴)، (۵)، (۶)	محدود بودن اطلاعات در حد برخی پیام‌رسان‌های اجتماعی آنلاین، ناتوانی در پاسخ به شبهات و ابهامات رسانه‌ای دانش‌آموزان، نگاه حاشیه‌ای و غیرمهم به درس، توجه بیش از حد به امر و نهی کردن در مواجهه با دانش‌آموزان خاطی	ضعف سواد رسانه‌ای عوامل اصلی مدرسه (مدیر، هیأت امناء، معاونان اجرایی، آموزشی و پرورشی)	
(۱)، (۴)، (۵)، (۹)، (۱۰)، (۱۶)	عدم تربیت دبیر سواد رسانه‌ای در مراکز بالادستی، غیرمرتبط بودن رشته تحصیلی، عدم نیازسنجی و نگذرداندن دوره‌های تخصصی، عدم تسلط بر منابع، پایین بودن دانش دبیر نسبت به مطالب کتاب، اکتفا به مطالعات و جستجوهای شخصی و زمان‌بر بودن آن، شاگردی نزد مربیان غیرمتخصص و غیرمسلط بر سواد رسانه‌ای، آشنایی کم نسبت به روش‌های تدریس سواد رسانه‌ای و اکتفا به روش‌های عمومی، ناتوانی در تولید محتوا و ارسال آن به شبکه‌های اجتماعی، بهره‌مندی از مواد یادگیری داندودی، عدم تسلط در تولید و تدوین محتوای مخاطب‌پسند، عدم پژوهشگری دبیران در خصوص سواد رسانه‌ای، ناتوانی در ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان به صورت فرآیندی و عملکردی	آماده نبودن نظری و عملی دبیران نسبت به تدریس سواد رسانه‌ای	ضعف کنشگران مدرسه‌ای مؤثر در آموزش سواد رسانه‌ای
(۱)، (۳)	اتکاء کتاب به دبیر و نادیده گرفته شدن والدین، عدم توجه به توسعه دانشی	کم‌توجهی به آموزش والدین و نقش آنها در حمایت از آموزش سواد رسانه‌ای	والدین ناآگاه و غیر همراه نسبت به آموزش سواد رسانه‌ای

جدول ۲. آسیب‌های مربوط به حیطه اجرا

مشارکت کنندگان	کدهای اولیه	کدهای ثانویه	کد نهایی
(۴)، (۵)	ناآگاهی والدین از مختصات مفهومی و اجزاء سواد رسانه‌ای، دور بودن فضای ذهنی والدین از ویژگی‌های فرزندان عصر دیجیتال، تأکید بر فراهم کردن زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی نداشتن برای فرهنگ‌سازی،	ناآگاهی والدین در	
(۹)، (۱۲)	فریب خوردن والدین از ظواهر پیام‌های موجود در رسانه‌ها، ناتوانی در ایفای نقش والدگری به هنگام مشاهده رفتارهای ناسالم یاد گرفته شده از رسانه‌های اجتماعی آنلاین، ارتباط نگرفتن والدین با دبیر سواد رسانه‌ای، داشتن نگاه کنکوری به درس‌ها و کم‌توجهی به درس سواد رسانه‌ای	مواجهه معقول با رسانه‌ها و درس سواد رسانه‌ای	
(۳)، (۶)	نبودن فضا و اکتفا به محیط کلاس‌های معمولی	در نظر نگرفتن فضا و مکان مناسب	
(۱)، (۲)	اکتفا به پروژکتور و غفلت از دیگر امکانات، عدم ایجاد شرایط ذهنی برای پذیرش درس، کمبود در اعتبارات مدرسه، نبود امکانات تخصصی	عدم تمهید امکانات برای دبیران و دانش‌آموزان	
(۱۷)، (۱۸)	نبود امکانات اولیه در مدرسه مانند اینترنت پرسرعت، لپ‌تاپ، تبلت‌های گرافیکی، اسکنر، قلم‌های چندرسانه‌ای، ویدیو پروژکتور و پرده برای نمایش محتوای چندرسانه‌ای در کلاس	نبود امکانات لازم جهت تولید محتوای چندرسانه‌ای	نادیده گرفتن سخت‌افزارها در آموزش سواد رسانه‌ای
(۷)	نداشتن تکنسین سخت‌افزار	عدم وجود نیروهای پشتیبان جهت تعمیر، نگهداری و به‌روزرسانی سخت‌افزار کلاس	
(۲)، (۳)	ناهماهنگی و عدم انسجام در قوانین استفاده از اینترنت مدرسه، عدم کنترل پیج‌های مورد استفاده در کارگاه‌های مدرسه	نبود قوانین خاص به هنگام ورود دانش‌آموزان به اینترنت مدرسه	نقص در قوانین آموزشی

سؤال دوم: الگوی مطلوب و اصلاح شده برنامه درسی سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی کدام است؟

در بخش اول، متناسب با آسیب‌های شناسایی شده الگوی زیر و جزئیات آن ارائه می‌شود:

اولین اصلاح آنها مرتبط با تعیین درستی اطلاعات آنلاین است که می‌تواند با ارائه تمرین‌های مصداقی، ارائه آموزش‌های تخصصی در حوزه اطلاعات اینترنتی و به‌روزرسانی فیلم‌های آموزشی کتاب درسی برطرف شود. در ادامه، چندین راهکار برای ارزیابی دقیق اطلاعات آنلاین آورده شده است: بررسی منبع (منابع معتبر و نویسنده)؛ بررسی تاریخ اطلاعات (تاریخ انتشار، تاریخ به‌روزرسانی)؛ ارزیابی محتوا (معقولیت و شواهد، عدم تحریف اطلاعات)؛ تطبیق با منابع دیگر (مقایسه با چندین منبع)؛ استفاده از ابزارهای ارزیابی (وبسایت‌های بررسی حقایق مانند Snopes یا FactCheck.org)؛ توجه به نظرات و بازخوردها (نظرات کاربران)؛ و انتقادی فکر کردن.

دومین اصلاح مربوط به فهم انتقادی است، در این زمینه سه اصلاح رفع نواقص و کاستی‌های فهم چگونگی نقد، آموزش عواقب زودباوری در فضای رسانه‌ای و معرفی چگونگی پی بردن به لایه‌های پنهان پیام‌های آنلاین مورد نیاز است.

سومین اصلاح در پی تأمین نیازهای روز است که با آشنا نمودن پیرامون نرم‌افزارها و نحوه استفاده از آنها قانع‌سازی پیرامون استفاده نادرست از رسانه در رفع نیازها و پیامدهای آن نهایی می‌شود.

چهارمین اصلاح در مورد شیوه‌های اقناع است، در این ارتباط باید به ارائه آموزش‌های عمقی در مفهوم‌شناسی و چگونگی اقناع، ارائه سناریوهای عملی در اقناع، بهره‌گیری از مثال‌های روزآمد و مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی پرداخته شود.

پنجمین اصلاح به مسئولیت‌پذیری برمی‌گردد که می‌تواند با ورود بیشتر نهادهای حکومتی، خانواده و دین، کمک به ارزیابی پیام‌ها براساس باورها و تجربیات و تدبیر شرایطی برای اقدام عملی و فاصله گرفتن از رویکرد نظری عملیاتی شود.

ششمین اصلاح به شناخت شکل‌های بصری ارتباط است، در این خصوص باید به برگزاری کلاس‌های آموزشی پیرامون خطرات رسانه‌ای، به روزرسانی کتاب در معرفی شبکه‌های پرکاربرد و با تعداد کاربران بالا پرداخته شود.

هفتمین اصلاح در خصوص بهبود کیفیت زندگی است که با ارائه آموزش‌های مرتبط با استفاده از رسانه و ارتقای سلامت جسمی و روانی و ارائه آموزش‌های به روز پیرامون خریدهای متنوع

دانش‌آموزان در فضای مجازی میسر می‌شود. برای ارتقای سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان و ارائه آموزش‌های به‌روز درباره خریدهای مختلف در فضای مجازی، می‌توان این اقدامات را انجام داد: ۱. آموزش سواد رسانه‌ای (آشنایی با منابع معتبر، تحلیل محتوا)، ۲. ارتقای سلامت جسمی (ترویج فعالیت‌های بدنی، آموزش تغذیه سالم)، ۳. ارتقای سلامت روانی (مدیریت استرس، تقویت روابط اجتماعی)، ۴. آشنایی با خرید آنلاین، ۵. استفاده از فناوری، ۶. ایجاد یک جامعه آنلاین مثبت.

هشتمین اصلاح به آمادگی‌های اولیه برای حضور در کلاس سواد رسانه‌ای برمی‌گردد که در این خصوص لازم است دوره‌های تخصصی ارتباطات و سواد رسانه‌ای و آموزش‌های جدید برای استفاده از گوشی همراه و شبکه‌های اجتماعی ارائه شود.

نهمین اصلاح با استفاده دانش‌آموزان از اینترنت در مدرسه مرتبط است که می‌بایست به ایجاد سایت ویژه برای مدرسه و مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در اداره آن و ایجاد مقررات برای ورود دانش‌آموزان به صفحات و سایت‌های رسمی و معتبر مبادرت ورزیده شود. ایجاد یک سایت ویژه برای مدرسه و مشارکت دادن دانش‌آموزان در اداره آن می‌تواند تأثیر مثبتی بر یادگیری و توسعه مهارت‌های دیجیتال و سواد رسانه‌ای آنها داشته باشد. در این راستا، می‌توان به نکات زیر توجه کرد:

- طراحی و توسعه وب‌سایت: ایجاد وب‌سایت هوشمند: انجام مشاوره‌های لازم برای طراحی وب‌سایتی که نیازهای آموزشی مدرسه را برآورده کند. نقش‌آفرینی دانش‌آموزان: دانش‌آموزان می‌توانند در مراحل مختلف ایجاد محتوا، طراحی و مدیریت وب‌سایت مشارکت داشته باشند.

- مقررات دسترسی: ایجاد سیاست‌های دسترسی: تدوین قوانین مشخص برای ورود به صفحات و سایت‌های معتبر، به همراه توضیحات در مورد اهمیت استفاده از منابع موثق. تدارک آموزش‌های لازم: آموزش به دانش‌آموزان در زمینه شناسایی سایت‌های معتبر و نحوه استفاده مؤثر از اینترنت.

- پروژه‌های تعاونی: تقسیم کار میان دانش‌آموزان: تشکیل گروه‌های کاری برای ایجاد محتوا، نوشتن مقالات و معرفی منابع مفید. تشویق خلاقیت: ایجاد چالش‌ها و مسابقات در زمینه تولید محتوا که مشارکت و همکاری دانش‌آموزان را افزایش دهد.

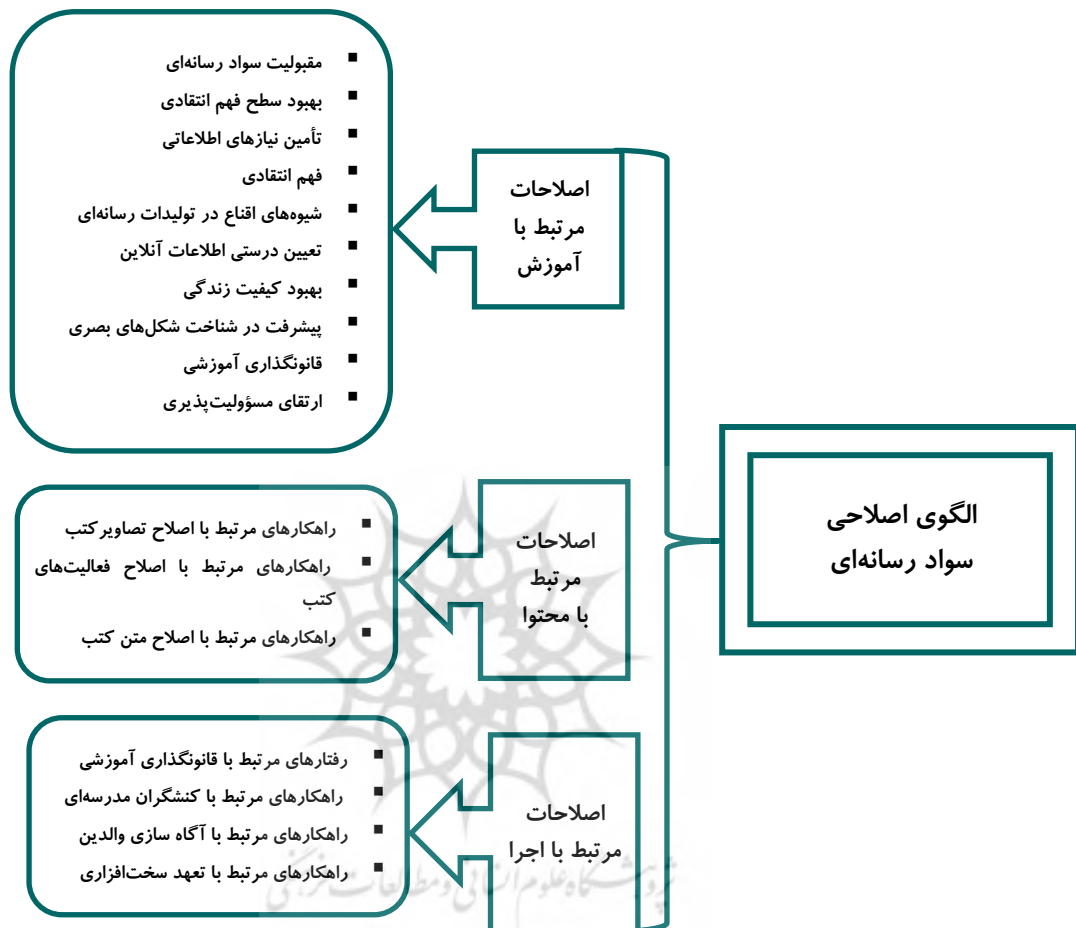
▪ بازخورد و ارزیابی: دریافت بازخورد: امکان دادن به دانش‌آموزان برای ارائه نظرات و پیشنهادها درباره وب‌سایت و محتوای آن. ارزیابی پیشرفت: سنجش اثرات این اقدام بر روی بهبود مهارت‌های پژوهشی و دیجیتال دانش‌آموزان.

▪ امنیت و مسئولیت‌پذیری: تأکید بر امنیت اینترنت: آموزش درباره خطرات آنلاین و چگونگی حفظ امنیت شخصی در فضای مجازی. توسعه احساس مسئولیت: ارائه فعالیت‌هایی که دانش‌آموزان را به پذیرش مسئولیت در قبال محتوای منتشرشده و مدیریت وب‌سایت ترغیب کند.

بخش دوم مرتبط با اجراست. در این بخش چهار قسمت است که دچار اصلاح می‌شود: اصلاح اول مرتبط با سازگار کردن است که با پنج راهکار ارائه محتوای مرتبط با نیازهای اطلاعاتی دانش‌آموزان، ارائه محتوای مرتبط با صحت‌سنجی اطلاعات، ارائه محتوای مرتبط با شناخت اشکال بصری ارتباط، ارائه محتوای مرتبط با مسئولیت‌پذیری در انتخاب و ارسال پیام، ارائه محتوای مرتبط با تأمل‌ورزی و فهم انتقادی انجام می‌شود. دومین اصلاح مرتبط با کنشگران مدرسه‌ای است که در این زمینه باید به توسعه سواد رسانه‌ای کارکنان اجرایی مدارس و بهسازی و تجهیز دبیران به دانش نظری و صلاحیت‌های عملی تدریس سواد رسانه‌ای پرداخته شود.

سومین اصلاح مرتبط با آگاه‌سازی والدین است که برنامه‌ریزی برای آموزش والدین نسبت به سواد رسانه‌ای توانمندسازی والدین در مواجهه با رسانه‌ها و پیام‌های درونی آنها امکان‌پذیر است. برنامه آموزشی می‌تواند به صورت یک دوره چند هفته‌ای (مثلاً ۴ تا ۶ جلسه دو ساعته) طراحی شود.

چهارمین اصلاح در ارتباط با تمهید سخت‌افزاری است که با تمهید فضا و مکان مناسب برای آموزش سواد رسانه‌ای، فراهم آوردن امکانات لازم برای تولید محتوای چندرسانه‌ای، استخدام نیروهای پشتیبان برای نگهداری، تعمیر و به‌روزرسانی سخت‌افزارها میسر می‌شود.



شکل ۱. الگوی اصلاحی سواد رسانه‌ای

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مؤثرترین نتایج مرتبط با بخش اول پژوهش نشان داد چهار دسته کلی از آسیب‌های اجرایی وجود دارند که آموزش سواد رسانه‌ای را دچار خلل کرده است: اولین آسیب مربوط به محتوای کتاب بود. مصاحبه‌ها نشان داده است که محتوا با انتظارات دبیران همسویی ندارد. این موضوع می‌تواند چالش‌های متعددی را ایجاد کند. احتمالاً برخی از دلایل این

ناهماهنگی عبارتند از اختلاف در اولویت‌ها، عدم به‌روزرسانی، عدم ارتباط مؤثر، دوری از تجربه عملی. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های محمودی (۱۳۹۷)، شریفی و کرمی‌نومیوندی (۱۳۹۷)، نصیری و بختیاری (۱۳۹۸)، آيسن^۱ (۲۰۲۰)، بدفورد^۲ (۲۰۲۱) است. محمودی اعلام کرده است که توجه به فهم انتقادی پیام‌ها در برنامه درسی دوره ابتدایی و متوسطه دچار ضعف اساسی است. شریفی و نومیوندی به این نتیجه رسیده‌اند که محتوای کتاب درسی سواد رسانه‌ای مشکلاتی دارد که باید در سیاست‌گذاری‌ها رسیدگی شود. نصیری و بختیاری نوشته‌اند که کتاب درسی به سواد رسانه‌ای نگاهی سوگیرانه دارد، در حالی که رسانه، یک شمشیر دو لبه است. یعنی؛ هم فرصت است و هم تهدید، هم سازنده است و هم تخریب‌کننده، هم توسعه‌دهنده ذهن و هم اسیرکننده ذهن است. طبق پژوهش آيسن دانش‌آموزان باید توان تشخیص منابع و محتوای اطلاعات معتبر از نامعتبر را بیاموزند و میان دیدگاه‌ها، حقایق، باورهای عامیانه، تئوری‌ها و احتمالات تمایز قائل شوند تا در میان انبوه پیام‌ها سردرگم نمانند. بدفورد نیز نوشته است فرد باید بتواند از انگیزه‌ها و غرض‌های تولیدکنندگان پیام‌ها آگاه شود و با دیدی بصیرانه به مقابله و تعامل با آنها بپردازد. دانستن مقاصد فرهنگی و ایدئولوژیکی فرستنده پیام در دیدگاه بدفورد اولویت خاصی دارد.

دومین دسته آسیب‌ها مربوط به ضعف کنشگران مدرسه‌ای است. کنشگرانی که یا از عوامل اجرایی و مدیریتی و یا دبیران درس بوده‌اند. مصاحبه‌شوندگان آسیب‌محوری این دسته را نبود شایستگی‌های علمی و عملی مرتبط با سواد رسانه‌ای معرفی کرده‌اند. عدم آگاهی کارکنان مدرسه از سواد رسانه‌ای می‌تواند به چالش‌هایی منجر شود که تأثیرات منفی بر آموزش و یادگیری دانش‌آموزان دارد. اگر معلمان و کارکنان نتوانند اطلاعات معتبر را از نادرست تمیز دهند، نمی‌توانند به دانش‌آموزان در شناسایی منابع قابل اعتماد کمک کنند. مدارس باید محیطی ایجاد کنند که در آن دانش‌آموزان به طور سالم و ایمن از رسانه‌ها بهره‌برداری کنند. با توجه به رشد روزافزون فناوری و رسانه‌های دیجیتال، کارکنان نیاز دارند که با چالش‌های جدید مواجه شوند و اگر آگاهی نداشته باشند، نمی‌توانند به درستی به این چالش‌ها پاسخ دهند. معلمانی که دانش کافی در زمینه رسانه‌ها ندارند، ممکن است نتوانند به دانش‌آموزان کمک کنند که با چالش‌های مرتبط با فضای آنلاین و

1. Icen

2. Bedford

رسانه‌های اجتماعی به درستی برخورد کنند. این خروجی با نتایج پژوهش‌های عجم و یعقوبی (۱۳۹۹)، امیری و همکاران (۱۳۹۸) و هابز و جنسن^۱ (۲۰۱۳) مطابقت دارد. عجم و یعقوبی نشان داده‌اند که میانگین سواد رسانه‌ای معلمان این درس تعریف خاصی ندارد و توانمندی آنها دچار کمبودهایی بالاخص در استفاده از رسانه‌ها، توانایی تولید و ارتباط با پیام‌های رسانه‌ای است. شکری و صادقی هم دانش رسانه‌ای معلمان را نیازمند به روزرسانی تشخیص داده‌اند. ناکارآمدی معلمان در تدریس و ناتوانی آنها در سنجش شایستگی‌های سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان نکاتی است که در پژوهش فدروف و همکاران مشهود بود.

سومین دسته آسیب‌ها مربوط به والدین ناآگاه و غیرهمراه است. نادیده گرفتن جایگاه والدین در حمایت از آموزش سواد رسانه‌ای در محیط خانه و بی‌اطلاعی آنان از مواجهه معقول با رسانه و سواد رسانه‌ای مهم‌ترین خلل هستند. ناآگاهی والدین به سواد رسانه‌ای می‌تواند آسیب‌های زیادی برای خود آنها و همچنین فرزندانشان ایجاد کند. وقتی والدین نتوانند اطلاعات معتبر را از اطلاعات نادرست تمیز دهند، ممکن است فرزندانشان هم تحت تأثیر اطلاعات غلط قرار گیرند. والدین به‌عنوان الگوهایی برای فرزندان عمل می‌کنند، بنابراین اگر خودشان آگاهی کافی نداشته باشند، فرزندان نیز ممکن است به الگوهای نامناسبی در استفاده از رسانه‌ها روی بیاورند. والدینی که به سواد رسانه‌ای مجهز نیستند، ممکن است فرزندان را تشویق به تولید محتواهای با کیفیت نکنند، در نتیجه فرزندان توانایی‌های خود را در این زمینه از دست می‌دهند. ناآگاهی والدین می‌تواند بر تعامل اجتماعی فرزندان تأثیر بگذارد و باعث انزوای اجتماعی یا مشکلاتی در روابط بین فردی آنها شود. این نشان می‌دهد که باید آموزش والدین دانش‌آموزان هم همسو با فرزندانشان کلید بخورد تا در یک فضای تعادلی و آگاهانه بتوانند به تربیت رسانه‌ای بپردازد و اشتباهاتشان به حداقل ممکن کاهش یابد. این یافته با نتایج پژوهش نجفی و زارع زردینی (۱۳۹۹، ۱۰) که عدم بهره‌گیری از نظرات خانواده‌ها و سهم کردن آنان در آموزش‌های حمایتی را یکی از علل فاصله تربیتی بین مدرسه و جامعه دانسته‌اند، همسو است. شاردی مناهجی (۱۳۹۸) همسو است. او که به بررسی سواد رسانه‌ای والدین پرداخته است، نشان داده است که ۵۸/۵ درصد از آنها وضعیت مطلوبی ندارند.

چهارمین دسته از آسیب‌ها مربوط به نادیده گرفتن سخت‌افزارها است. دبیران مصاحبه‌شونده نبود فضای تخصصی و مجهز به امکانات مربوطه برای تولید و نشر پیام‌های چندرسانه‌ای و کمبود متخصص فنی در مدرسه را ذیل این دسته آسیب‌ها معرفی کرده‌اند. این موضوع به درستی نشان‌دهنده چالش‌های موجود در زمینه آموزش سواد رسانه‌ای است. نبود فضای تخصصی و امکانات کافی برای تولید و نشر پیام‌های چندرسانه‌ای می‌تواند تأثیرات منفی بر کیفیت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان داشته باشد. با توجه به این چالش‌ها، ایجاد فضای مناسب و فراهم کردن امکانات لازم، از جمله آموزش معلمان و جذب متخصصین فنی، می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش سواد رسانه‌ای کمک کند. کمبودهای سخت‌افزاری در پژوهش‌های یزدانی (۱۳۹۷) و هتانی^۱ (۲۰۱۹) مورد تذکر واقع شده‌اند. یزدانی محدودیت‌های انسانی و سخت‌افزاری را در رتبه اول و دوم موانع هوشمندسازی مدارس معرفی کرده‌اند. رضایی‌راد و همکاران (۱۳۹۱) عوامل تکنولوژیکی را در توسعه مدارس هوشمند مؤثر دانسته‌اند. عبدالوهابی و همکاران (۱۳۹۵) هم گزارش کرده‌اند که ضعف محیط یاددهی - یادگیری و کمبود زیرساخت‌های فناورانه جلوی استقرار مدارس هوشمند را گرفته‌اند. هتانی پرو و یافته‌های این مقاله اعلام داشته که چالش‌های توسعه سواد رسانه‌ای در سیستم آموزشی مراکش متعدد می‌باشد. طبق پژوهش او حمایت ناکافی مدرسه، ناتوانی معلمان و کلاس درس منسوخ و غیرمرتبط آموزش سواد رسانه‌ای را مختل کرده است.

جمع‌بندی پژوهشگر از آسیب‌های شناسایی شده نشان می‌دهد که بین برنامه درسی قصد شده و اجرا شده آموزش سواد رسانه‌ای در دوره دوم متوسطه تفاوت زیادی وجود دارد. هر چند که برنامه درسی قصد شده هم به لحاظ محتوایی دچار نقصان‌هایی جدی است. پس رسیدن به اهداف آموزش سواد رسانه‌ای مانند فهم چگونگی خلق معنا توسط پیام‌های رسانه‌ای، شناسایی هویت تولیدکننده پیام، تشخیص جانبداری‌ها، اطلاعات نادرست و دروغ، شناسایی تکنیک‌های قانع کردن مخاطب، ارزیابی پیام رسانه‌ای، جلوگیری از نشر شایعات، ممانعت از نظر به جای خبر، درک بستر فرهنگی ایجاد پیام، کشف رویدادهای گفته نشده و تبدیل شدن به یک تولیدکننده پیام؛ کمی دور از انتظار است. به‌طور کلی در بسیاری از موارد، برنامه‌های درسی با توجه به نیازهای نظری و ایده‌آل‌ها طراحی می‌شوند، اما در عمل، به دلایل مختلف (مثل کمبود منابع، زمان محدود و ...) تغییر می‌کنند. یا تغییرات سریع

در فناوری و رسانه‌ها ممکن است باعث شود که محتوای برنامه درسی به سرعت کهنه شود و نتواند به روزرسانی‌های لازم را منعکس کند. همچنین توانایی و مهارت‌های معلمان در تدریس سواد رسانه‌ای ممکن است با آنچه در برنامه درسی انتظار می‌رود متفاوت باشد. این موضوع می‌تواند بر کیفیت آموزش تأثیر بگذارد. این جمع‌بندی با نتایج پژوهش‌های هاشمی (۱۳۹۶) و سلطانی‌فر (۱۳۸۷) همسو است.

نتایج مربوط به بخش دوم پژوهش نشان داد که استفاده از زبان طنز یکی از محاسن کتاب در قالب محتوایی خود است. زبان طنز به‌عنوان زبانی خاموش در دوره نوجوانی می‌تواند انگیزه‌بخش باشد و با روحیات شاد و پرنشاط این دانش‌آموزان متوسطه سازگاری مطلوبی داشته و پیام و مقصود آن به بهترین کیفیت ممکن به آنها برسد. نکته مثبت دیگر بهره‌گیری از گفتگوی کلاسی است، این گفتگوها در بحث‌های مختلف کتاب وجود دارد و زمینه را برای تعامل میان دانش‌آموزان با دبیر، دانش‌آموزان با دانش‌آموزان فراهم کرده است و پرداختن به مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای را از انحصار متن ساده و طولانی در آورده است. ولی متأسفانه در میان مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای توانایی ترکیب اطلاعات مختلف و رسیدن به تفسیری عالمانه، فهم تمایز میان پیام‌های منفعل و تعاملی و در نظر گرفتن متن اصلی پیام و استدلال‌های موجود در آن جایگاه خوبی ندارند و همین نکته باعث شده که جنبه‌ها و سطوح بالای انتقاد مورد غفلت اساسی قرار بگیرد و تبعات منفی برای دانش‌آموزان به همراه داشته باشد. ترکیب اطلاعات، ادغام توأمان اطلاعات دریافتی از منابع مختلف رسانه‌ای برای دستیابی به درک بهتر محیط مسئله و در نتیجه، اتخاذ تصمیمات دقیق‌تر است. علت این امر آن است که در اکثر موارد، داده‌های دریافتی از منابع مختلف رسانه‌ای پیرامون یک موضوع واحد، ممکن است ناقص، مبهم و حتی متناقض باشند. بر این اساس، ترکیب اطلاعات می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند در خدمت داده‌کاوی^۱ و اکتشاف معرفت^۲ به کار گرفته شود. درک تفاوت میان پیام‌های منفعل و تعاملی هم در ارزیابی اهمیت دارد، حال آن که توجه ناچیزی به آن شده است. دانش‌آموز با درک پیام‌های فعال می‌داند، می‌خواهد و می‌تواند که به شکل مناسب و میزان متناسب از پیام‌های موجود در رسانه‌ها بهره‌برداری کند. در حالی که در وضعیت فعلی آموزش این مؤلفه، می‌توان بی‌برنامگی و بی‌قاعدگی را برای دانش‌آموزان انتظار داشت. این دانش‌آموزان نمی‌توانند در مقابل

1. Data mining
2. Knowledge discovery

پیام‌ها تعاملی از خود نشان دهند و با درصد بالایی محتوای پیام‌های منفعل را می‌پذیرند و این خطرناک است. علت این خطر آن است که دانش‌آموزان به این احساس می‌رسند که نمی‌توانند اثر چندان و نقش قابل ملاحظه‌ای بر محتوای پیام‌ها داشته باشند. از جمله دیگر موارد غفلت شده و یا کمتر توجه شده در نظر گرفتن متن اصلی پیام و استدلال‌های موجود در آن است. این مؤلفه در ارزیابی پیام‌های درست از نادرست و ابهام‌دار ضرورت دارد و به دانش‌آموزان کمک می‌کند که بتوانند مقصود و منظور اصلی فرستنده پیام را بفهمند و دلایل موجود در آن را بازشناسند. توجه به متن اصلی پیام و استدلال‌های موجود در آن یکی از اجزای کلیدی در سواد رسانه‌ای است. درک متن اصلی به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که بین حقایق و افکار شخصی یا نظرات متفاوت تمایز قائل شوند. هر پیامی معمولاً شامل استدلال‌هایی است که به منظور حمایت از یک نظر یا دیدگاه ارائه می‌شود. دانش‌آموزان باید بتوانند این استدلال‌ها را تحلیل و ارزیابی کنند تا نقاط قوت و ضعف آنها را شناسایی کنند. وقتی دانش‌آموزان به صورت عمیق‌تری به محتوای پیام‌ها بپردازند، می‌توانند به راحتی اطلاعات غلط یا گمراه‌کننده را تشخیص داده و از آنها دوری کنند. درک عمیق از متن پیام به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که سوالات مناسب مطرح کنند و به دنبال توضیحات و شواهد بیشتری باشند. با تحلیل متون و استدلال‌ها، دانش‌آموزان مهارت‌های تفکر انتقادی خود را تقویت می‌کنند که این مهارت‌ها در تمامی جنبه‌های زندگی به آنها کمک خواهد کرد.

نتایج به دست آمده با خروجی پژوهش‌های رضازاده و همکاران (۱۴۰۰)، نائیجی (۱۳۹۹)، رمضان‌ی (۱۳۹۸)، سرفراز و امین (۱۳۹۸) همسو است. رضازاده و همکاران به این نتیجه رسیده‌اند که مسئولان، برنامه‌ریزان و متولیان نظام آموزشی محتوای درس تفکر و سواد رسانه‌ای را مورد بازنگری قرار دهند و موضوعاتی همچون پرورش تفکر انتقادی در دانش‌آموزان و نیز به نحوه مدیریت و استفاده صحیح از رسانه‌ها توجه بیشتری مبذول دارند. نائیجی نشان داده که بیشترین میزان فراوانی در بین مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای مربوط به استفاده هدفمند از رسانه و ترکیب اطلاعات بوده و مؤلفه تبادل اطلاعات در آخرین جایگاه قرار دارد. رمضان‌ی اشاره کرده که آموزش کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای می‌تواند بر توانایی مصرف بهینه از رسانه و تحلیل نقادانه پیام‌های آن در دانش‌آموزان پایه دهم اثربخش باشد. سرفراز و امین انتقادی که کرده‌اند این است که کتاب درسی تفکر و سواد رسانه‌ای در جایگاه رسمی آموزش، دبیر و مدرسه، مخاطب را عنصری منفعل فرض می‌گیرد که

قرار است با طی کردن فرآیند آموزش اطلاعات لازم را کسب کند. زنگنه نیازآبادی (۱۳۹۷) هم توصیه کرده که باید برای توسعه تفکر انتقادی دانش‌آموزان اقدام به طراحی بسته آموزشی سواد رسانه‌ای مبتنی بر پیام‌های اقناعی کرد.

در ادامه، پیشنهادهای کاربردی به این شرح ارائه می‌شود:

- تلفیق سواد رسانه‌ای با سوژه‌های اجتماعی و طرح آن در کتاب درسی می‌تواند انگیزه دانش‌آموزان را در یادگیری محتوا افزایش و انس آنها را با مطالب تقویت کند.
- با دعوت از متخصصان سواد رسانه‌ای، جامعه‌شناسان، مسئولان انتظامی و قوه قضائیه، مشاوران خانواده و روان‌شناسان دوره نوجوانی اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای در مدرسه برای مدیریت و کادر اجرایی مدارس تشریح شود تا نگاه حاشیه‌ای به آن حذف گردد و جایگاه اصلی خود را در برنامه‌ریزی‌های تربیتی باز یابد.
- برقراری ارتباط میان نویسندگان، دبیران و متخصصان سواد رسانه‌ای می‌تواند به شناسایی نیازهای واقعی و به‌روز کردن محتوای کتاب کمک کند.
- اضافه کردن منابع آموزشی چندرسانه‌ای مانند ویدیوها، پادکست‌ها و مثال‌های واقعی می‌تواند به درک بهتر مفاهیم کمک کند.
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای دبیران به منظور آشنایی با آخرین روندها و تکنیک‌های سواد رسانه‌ای می‌تواند همکاری آنها را افزایش دهد.
- ایجاد محتوای منعطف که دبیران بتوانند بر اساس نیازهای خاص کلاس خود تنظیم کنند، می‌تواند به بهتر شدن فرآیند یاددهی و یادگیری کمک کند.
- معرفی پروژه‌های عملی و موردی که دبیران می‌توانند در کلاس‌های خود اجرا کنند، می‌تواند جذابیت و کاربردی بودن محتوا را افزایش دهد.
- در آموزش‌های ضمن خدمت اولویت توجه بر دانش و مهارت تولید محتوای چندرسانه‌ای، روش‌های تدریس و روش‌های ارزشیابی مرتبط با سواد رسانه‌ای باشد.
- به دانش‌آموزان کمک شود تا با کسب مهارت‌های لازم و آشنایی با فنون اقناعی، دست به تولید محصولات رسانه‌ای و اطلاعاتی بزنند.

- کارگاه‌های منسجمی برای والدین برگزار شود و در آن به نقش آنها اشاره گردد. همچنین سعی شود بسته آموزشی استاندارد از رسانه‌ها، پیام‌ها و زندگی در عصر دیجیتال طراحی، تدوین و اجرا گردد تا شکاف علمی و نسلی مطرح شده در مصاحبه‌ها به کمترین حد ممکن برسد.
- آموزش معلمان برای به کارگیری تکنیک‌های تدریس تعاملی که باعث درگیری بیشتر دانش‌آموزان با مفاهیم رسانه‌ای شود.
- توسعه برنامه‌های توانمندسازی معلمان، از جمله برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای معلمان با محوریت موضوعاتی مانند تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، تفکر انتقادی و تولید محتوای دیجیتال.



منابع

- امیری، جهاندار، زابلی‌زاده، اردشیر و کرمی‌نومیوندی، سجاد. (۱۳۹۸). راهکارهای افزایش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی معلمان. *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۴(۳)، ۷-۲۲.
- جلیل‌القدرنیری، لیلا. (۱۴۰۲). *رابطه سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی با استفاده از شبکه‌های مجازی دانشجویان تحصیلات تکمیلی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- خوردی، مهدی. (۱۴۰۲). *پیش‌بینی اخلاق حرفه‌ای بر اساس سواد رسانه‌ای و انگیزش شغلی دبیران مدارس متوسطه دوم شهر بوشهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم انسانی.
- رحمانی، مجید. (۱۳۹۶). *مطالعه ترکیبی سواد دیجیتالی و گرایش به تفکر انتقادی میان معلمان زبان انگلیسی در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه امام خمینی (ره).
- رضازاده، شکوفه، نبلی، محمدرضا، لیاقتدار، محمدجواد و چشمه‌سهرابی، مظفر. (۱۴۰۰). شناسایی و اعتبارسنجی فرآیندها و بروندادهای برنامه درسی تفکر و سواد رسانه‌ای از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان شهر اصفهان. *پژوهش‌های برنامه درسی*، ۱۱(۱)، ۲۶۳-۲۳۳.
- رضایی‌راد، مجتبی، زارعی‌زوارکی، اسماعیل و یوسفی‌سعیدآباد، رضا. (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه مدارس هوشمند. *علوم تربیتی*، ۵(۲)، ۱۲۰-۱۰۹.
- رضایی‌کمال‌آبادی، مریم. (۱۴۰۲). *تبیین رابطه بین سواد رسانه‌ای و آگاهی از حقوق بین‌الملل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب.
- رضائی‌نسب، آزاده. (۱۴۰۲). *پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت و سبک‌های دل‌بستگی در دانش‌آموزان بر اساس سواد رسانه‌ای والدین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.
- رمضانی، سارا. (۱۳۹۸). *اثربخشی آموزش کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای بر توانایی مصرف بهینه از رسانه و تحلیل نقادانه پیام‌های آن در دانش‌آموزان پایه دهم شهرستان خمین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اراک.

- زندیان سفیددشتی، سمیه. (۱۴۰۲). نقش سواد رسانه‌ای بر یادگیری عمیق محتوای مبتنی بر وب در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز زرین‌شهر.
- زنگنه نیازآبادی، زهرا. (۱۳۹۷). طراحی بسته آموزشی سواد رسانه‌ای مبتنی بر پیام‌های اقناعی و بررسی تأثیر آن بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان دختر متوسطه دوره دوم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه بیرجند.
- سرفراز، حسین و امین، محسن. (۱۳۹۸). ارزیابی انتقادی کتاب درسی تفکر و سواد رسانه‌ای: واسازی معنای متناقض مخاطب. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۹(۱۰)، ۱۵۷-۱۳۷.
- سلطانی‌فر، محمد. (۱۳۸۷). تحلیل وضعیت سواد اینترنتی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهر تهران ۱۳۸۵-۱۳۸۶ در مقایسه با مربیان و والدین. نوآوری‌های آموزشی، ۲۷(۳)، ۶۰-۳۷.
- سنجری، سیده‌زهرا. (۱۴۰۲). مطالعه سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی کتابداران کتابخانه‌های عمومی مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز مشهد.
- شارداری مناهجی، فرشته. (۱۳۹۸). بررسی سواد رسانه‌ای والدین و وابستگی به شبکه‌های اجتماعی در دانش‌آموزان ۶ تا ۱۹ سال مدارس شهر زنجان سال ۱۳۹۶. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.
- شرقی، مریم. (۱۴۰۱). رابطه سواد رسانه‌ای با میزان استفاده از فضای مجازی و پذیرش اخبار رسانه‌ای در بین دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر اردبیل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- شریفی رهنمو، مجید، سراجی، فرهاد و شریفی رهنمو، سعید. (۱۳۹۷). نیازهای سواد رسانه‌ای دانشجویان دوره کارشناسی. مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۹(۲)، ۹۳-۷۱.
- شمس‌آبادی، مهدی. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر سواد رسانه‌ای بر سلامت اجتماعی با نقش میانجی سواد اخلاقی کارکنان ستاد دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی حکیمان-بجنورد.
- شیخ‌زادگان، پروین. (۱۴۰۲). بررسی نقش رسانه‌های نوین در افزایش شکاف نسلی در چهارچوب سواد رسانه‌ای در اردبیل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.

صالحی‌امیری، رضا و رجبی، مسعود. (۱۴۰۰). ضرورت سواد رسانه‌ای. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

صفری، ماریا. (۱۴۰۲). تبیین نقش میانجی گرایش به تفکر انتقادی در رابطه سواد رسانه‌ای و مسئولیت‌پذیری اجتماعی معلمان مدارس ابتدایی شهر ایلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی باختر ایلام.

عبدالساده، عبدالامیر. (۱۴۰۲). رابطه سواد رسانه با مصرف رسانه در بین دانشجویان دانشگاه کوفه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب.

عبدالوهابی، مرضیه، مهرعلیزاده، یداله و پارسا، عبدالله. (۱۳۹۵). بررسی موانع استقرار مدارس هوشمند در دبیرستان‌های دخترانه شهر اهواز از دیدگاه معلمان و مدیران. علوم تربیتی، ۲۳(۱)، ۸۰-۵۵.

عجم، علی‌اکبر و یعقوبی، عذرا. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر میزان سواد رسانه‌ای معلمان با گرایش به تفکر انتقادی آنان. مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، ۲(۲)، ۷۹-۶۰.

فصیحی، سعید. (۱۴۰۲). بررسی رابطه سواد اخلاقی با سبک مدیریت با میانجیگری سواد رسانه‌ای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.

فیضی، محدثه. (۱۴۰۲). پیش‌بینی سبک زندگی بر اساس سواد دیجیتالی و سواد رسانه‌ای در دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی احرار رشت، گروه علوم انسانی.

کاوسی، داود. (۱۴۰۰). بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان درس تفکر و سواد رسانه‌ای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

محمودی، سیروس. (۱۳۹۷). بررسی برنامه درسی دوره ابتدایی و متوسطه اول و دوم بر مبنای توجه به مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای. جامعه فرهنگ رسانه، ۳، ۱۱۲-۹۵.

مسکانی، حسین. (۱۴۰۲). بررسی ارتباط بین سواد رسانه‌ای و اخلاق اجتماعی دانشجویان پیام نور تهران غرب در سال ۱۴۰۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران غرب.

معمدی، مرضیه. (۱۴۰۱). تدوین چارچوب برنامه درسی سواد رسانه‌ای برای دانشگاه فرهنگیان. رساله دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

- مهاجرپور، آیدا. (۱۴۰۲). رابطه عزت نفس و آزارگری سایبری با نقش تعدیلگر سواد رسانه‌ای در دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خیام.
- میرشکاری، شهره. (۱۴۰۲). بررسی رابطه نگرش به سبک‌های فرزندپروری و سواد رسانه‌ای والدین با اعتیاد به اینترنت، بهزیستی روانشناختی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر برازجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی خرد.
- نائیجی، مرضیه. (۱۳۹۹). تحلیل محتوای کتب (تحلیل فرهنگی و تفکر و سواد رسانه‌ای) مقطع متوسطه دوم بر اساس مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی مؤسسه آموزش عالی آمل.
- نجفی، حسن و زارع زردینی، آرش. (۱۳۹۹). فاصله تربیتی بین مدرسه و جامعه. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۲۳(۱)، ۱۱-۱۰.
- نصیری، بهاره و بختیاری، آمنه. (۱۳۹۸). بررسی و نقد کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای (شاخه‌های نظری- فنی حرفه‌ای- کار دانش) پایه دهم دوره متوسطه ۱۳۹۵. رسانه، ۳۰(۲)، ۲۷-۴۲.
- هاشمی، شهناز. (۱۳۹۶). ارزشیابی پایانی تفکر و سواد رسانه‌ای (اختیاری) پایه دهم مشترک کلیه رشته و شاخه‌های دوره دوم. تهران: دفتر تألیف و برنامه‌ریزی درسی.
- یزدانی، فریدون. (۱۳۹۷). شناسایی چالش‌های پیش روی برنامه‌ریزی برای هوشمندسازی مدارس غیرانتفاعی شهر همدان. مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۷(۲)، ۲۳-۸.
- Bedford, D. (2021). Evaluating confidence in information literacy: A Red/Amber/Green Approach. *Journal of Information Literacy*, 15(1), 96–104.
- Bulger, M., & Davison, P. (2024). The promises, challenges and futures of media literacy. *Journal of Media Literacy Education*, 10(1), 1–21.
- Castles, P. (2020). *Study assessment criteria for media literacy levels*. Brussels: European Commission.
- Considine, D. M. (2018). *Media Literacy Across the Curriculum*. http://www.mediawiz.us/sites/default/files/551_CIC_ML_Report.pdf
- Damquillo, A. M. (2019). *Exploring the complexities of personal ideologies, medialiteracy pedagogy and media literacy practice*. Submitted to the

- graduate school of the University of Massachusetts Amherst in partial fulfillment of the requirements for degree of Doctor of philosophy.
- Eisenstock, B. (2024). *Media literacy and the challenges of AI-generated disinformation*. California State University.
- Hattani, H, A. (2019). Media literacy education in secondary school: Teachers' attitudes. *Journal of Media Research - Revista de Studii Media*, 12(33), 5–26. DOI:10.24193/jmr.33.1
- Hobbs, R. (2017). *Create to learn: Introduction to digital literacy*. Wiley.
- Hobbs, R., & Jensen, A. (2013). The past, present, and future of media literacy education. *Journal of Media Literacy Education*, 1(1). Retrieved from <https://digitalcommons.uri.edu/jmle/vol1/iss1/1>
- Icen, M. (2020). Developing media literacy through activities. *International Journal of Educational Methodology*, 6(3), 631–642.
- Jayadiputra, E., Karim, A. A., Sapriya, S., & Rahmat, R. (2023). The pancasila and civic education curriculum model at 21st century. *Jurnal Civics: Media Kajian Kewarganegaraan*, 20(1), 65–74.
- Lee, S., Cho, J., & Kim, S. (2023). Pathways to youth political participation: media literacy, parental intervention, and cognitive mediation. *Mass Communication and Society*, 26(1), 99–121.
- MacDonald, M. F. (2008). *Media literacy in action: An exploration of teaching and using media literacy constructs in daily classroom practice*. Doctoral Thesis. University of California, Los Angeles.
- Meghan, M., & Casey, H. (2020). Integrating media literacy in social studies teacher education. *CITE Journal*, 20(1), 22–35.
- Pérez-Escoda, A., Pedrero-Esteban, L. M., Rubio-Romero, J., & Jiménez- Narros, C.(2021). Fake news reaching young people on social networks: Distrust challenging media literacy. *Publications*, 9(2), 24.
- Valtonen, T., Tedre, M., Mäkitalo, K., & Vartiainen, H. (2019). Media literacy education in the age of machine learning. *Journal of Media Literacy Education*, 11(2), 20–36.
- Wood, E. (2020). *Media literacy education: Evaluating media literacy education in Colorado schools*. M.A. Thesis in University of Denver.
- Yeleussiz, A. (2024). Exploring EFL teachers' perceptions of media literacy in Kazakhstan. *Journal of Social Studies Education Research*, 15(1), 282–316.